

مجدوب آرامش اخلاص و اقتدارش شدم

گفت و گوبا «حجت الاسلام د کتر سید عبدا... حسینی» مدیر مرکز اسلامی آفریقای جنوبی که دیدار خصوصی یک ساعت ونیمه با «سید حسن نصر ا...» داشته و خاطرات کمتر شنیده شده های از آن لحظات و شخصیت رهبر جبهه مقاومت اسلامی لبنان دارد

مجدد حسین زاده | روزنامه نگار

پرونده

در سال ۱۳۹۵ فرصت دیداری دست داد با سید مقاومت و ایثار. قرار بود ۴۵ دقیقه در خدمت ایشان باشم اما جلسه مان تقریبا یک ساعت ونیم طول کشید. در همان اتاقی بود که همیشه با دیگران ملاقات دارند؛ همان اتاقی که همیشه در عکسها دیده بودم، یکهو خودم را در آن جا حس کردم». اینها بخش ابتدایی صحبت های «حجت الاسلام د کتر سید عبدا... حسینی»، مدیر مرکز اسلامی آفریقای جنوبی و مشاور سابق دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است. او ۸ سال پیش در یک دیدار خصوصی با دبیر کل جنبش حزب ا... درباره نابودی رژیم صهیونیستی گفت و گوی تقریبا مفصلی داشته است و سید حسن به او می گوید که می خواهد مسائلی را مطرح کند که تا حالا به کسی نگفته ولی به او خواهد گفت. به بهانه شهادت «سید حسن نصر ا...» به سراغ «حجت الاسلام د کتر سید عبدا... حسینی» رفتیم تا برای ما از خاطرات کمتر شنیده شده آن جلسه و شخصیت رهبر جبهه مقاومت اسلامی لبنان بگوید.

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

یکشنبه ۸ مهر ۱۴۰۳

۲۵ ربیع الاول ۱۴۴۶ • ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۴

شماره ۲۱۵۹۴

۲۸۱۳

در زندگی سلام امروز بخوانیم:

۲

سرمایه دگی نوزادان چه علایم و عوارضی دارد؟

۲

بهداشت دهان از کدام سرطان پیشگیری می کند؟

۳

توصیه عجیب اما موافقت آور پدر «جواد عزتی»

۳

ویدئوی خاطره متفاوت یک بازیگر سینما از پدرش در شبکه های اجتماعی پربازدید شده که اهمیت بررسی عملکرد زندگی را می رساند

۳

ماجرای جنجالی جریمه والدین دانش آموزان کج خلق در ایتالیا

خلاصه کتابم درباره زوال رژیم صهیونیستی را ارائه دادم

حضرت آقا دیده ام و مواردی را مطرح کردند و گفتند بعضی از این موارد را تا حالا به کسی نگفته اند. مثلاً گفتند بعد از جنگ ۳۳ روزه ما پروژه نابودی رژیم صهیونیستی را کلید زدیم. در این زمینه حدود ۲۰ طرح آماده کردیم. مبنای کار ما این بود که رژیم صهیونیستی ۱۸ سال طول کشید که از لبنان اخراج شود؛ بنابراین اخراجش از فلسطین اشغالی خیلی بیشتر زمان خواهد برد. طرح هایی را برای زوال رژیم صهیونیستی در ۳۰ سال آینده آماده کردیم و با این طرح ها رفتیم ایران. ملاقات های روتین انجام شد و تقریباً همه اتفاق نظر داشتند که پروژه زوال رژیم صهیونیستی زمان بیشتری نیاز دارد. تا این که مشرف شدیم خدمت حضرت آقا. در این ملاقات من با آب و تاب در مورد این ۲۰ طرح و تصمیم های اتخاذ شده صحبت کردم. ایشان بعد از صحبت های من فرمودند: خوب، این طرح ها خیلی خوب است. خیلی خوب است که ما آمادگی لازم را برای هر کاری داشته باشیم. اما برای زوال رژیم صهیونیستی آن ۱۸ سال هم زیاد است و با قاطعیت فرمودند زودتر از این ها نابود خواهد شد.

«حجت الاسلام حسینی» کتابی درباره زوال رژیم صهیونیستی نوشته که در این دیدار در آن باره هم صحبت می شود. او می گوید: «من خلاصه ای از کتاب را خدمت شان ارائه کردم و در مورد تاریخچه کتاب و نحوه نگارش تقریباً توسط مرحوم آیتا... خزعلی مطالبی را عرضه داشتم. ایشان با دقت تمام گوش می دادند. بعد از اتمام وقت ۴۵ دقیقه ای ملاقات، بارها تلفن کنار دست ایشان زنگ خورد که ملاقات بعدی را یادآوری کنند اما ایشان هر بار می گفت هنوز داریم حرف می زنیم. در حین توضیح دادن در مورد محتوای کتاب دوباره تلفن زنگ خورد و این بار ایشان اصلاً گوشی را برداشتند. بعد از اتمام عرایض بنده در این باره سید حسن گفت که می خواهم در مورد کتاب شما و پیش بینی مقام معظم رهبری صحبت کنم. ایشان به مقام معظم رهبری جدا از رابطه رسمی و تشکیلاتی، ارادت و اخلاص ویژه ای دارند. درباره علت این ارادت و اخلاص هم گفت که دلیل این اعتقاد من به حضرت آقا مواردی است که خودم شخصا

نخ پیراهن امام خمینی (ره) را در قرآن شخصی اش گذاشت

«حجت الاسلام حسینی» درباره واکنش سید حسن نصر ا... با دیدن پیراهن هدیه گرفته شده از امام خمینی (ره) می گوید: «من یک شعری در محضر امام خمینی (ره) خوانده بودم که داستانش مفصل است و بعدش ایشان یک پیراهن به من هدیه دادند. این پیراهن را برده بودم تا سید حسن بر روی آن نماز بخواند. وقتی آن را دیدم، یکهو دیدم که اشک چشمانش جاری شد، گذاشت بر روی چشم هایش. عاشقانه به آن نگاه می کردم می بوسید. یک لحظه احساس کردم که خیلی خریدار آن نه دارم به آن نگاه می کند! در همین برداشت و با آن نگاه می کردم به این پیراهن. تعجب کردم و پرسیدم که دنبال چه چیزی می گردید؟ گفت دنبال یک ذره نخ هستم که ببینم از این پیراهن اویزان است تا بتوانم آن را بکنم. بعدش هم یک نخ کوچکی در حد ۲ سانتی متر، پیدا کرد. درخواست فیچگی کرد و از من اجازه گرفت تا آن را ببرم و بگذارم داخل قرآن شخصی اش. این میزان علاقه مندی که ایشان به پیراهن امام خمینی (ره) نشان داد، برایم جالب بود.

«حجت الاسلام حسینی» درباره ماجرای دیدارش با «سید حسن نصر ا...» می گوید: «سه روز بعد از جنگ ۳۳ روزه حزب ا... رژیم صهیونیستی، با گروهی از مسلمانان اهل سنت آفریقای جنوبی، برای تحویل کمک های مالی به حزب ا...، وارد ضاحیه زخم خورده و ویران شده در جنوب لبنان شدیم. حجت الاسلام «شیخ علی دمعوش»، رئیس وقت روابط بین الملل حزب ا... و «رائد» مسئول میز آفریقا، نخستین افرادی بودند از حزب ا... که با آنان آشنا می شدیم. «دمعوش» روحانی بسیار آرام و متین و موقری بود که به وزیر خارجه حزب ا... معروف بود. تسلط نسبی بر تکلم به زبان فارسی هم داشت. بعد از تحویل کمک ها، درخواست من از شیخ دمعوش تنها یکی چیز بود. دیدار جمال سید حسن. او با تشریح شرایط امنیتی سید، مرا متقاعد کرد که چنین چیزی، فعلاً امکان پذیر نیست ولی قول داد در آینده این اتفاق بیفتد. بعد از آن سفر، چندبار دیگر هم به بیروت سفر کردم. هر بار هم این درخواست را مطرح می کردم ولی به علت کثرت برنامه های سید و ضیق وقت و عدم اطلاع قبلی که خودم هم مقصر بودم، عملاً با سید ملاقات خصوصی صورت نگرفت. ولی شیخ، همچنان بر وعده صادقش استوار بود که در فرصتی مناسب انجام خواهد شد. سال ۱۳۹۵، ماه رمضان را در آفریقای جنوبی گذراندم و بعد از رمضان به قم مشرف شدم. روز جمعه ای بود که پیامی از سمت سید دریافت کردم که خیلی خلاصه نوشته بودند: «روز دوشنبه از تهران به بیروت پرواز هست، شما بیا بید».

روز دیدار فرارسید

مدیر مرکز اسلامی آفریقای جنوبی از روزی که قرار بود به دیدار سید حسن برود، این طور می گوید: «روز سه شنبه صبح، «شیخ علی دمعوش» به من گفت منتظر هستیم سید زمانی را مشخص کند. امروز عصر شما گوش به زنگ باشید. ظهر آدمم هتل کمی استراحت کردم. هنوز یک ساعت به غروب مانده بود که زنگ تلفن به صدا درآمد. گفتند وعده دیدار فرارسیده، فوری آماده شوید. رفتم جای شیخ که عذر خواهی کرد که چون در مسجد امام جماعت است، نمی تواند همراه من بیاید و برای ملاقات با سید توصیه هایی کرد. گفت ما مفصل شما را معرفی کرده ایم و ایشان شناخت کافی دارند ولی شما خوب است به کمک های مسلمانان آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۶ اشاره کنید. ضمناً گفت بعد از شما ملاقات مهمی دارند و وقتی که در نظر گرفته شده ۴۵ دقیقه است. از دفتر ایشان با یک دستگاه خودروی ویژه که هم استتار شده بود و هم تمام پنجره های آن را کاملاً با طلق سیاه پوشانده بودند که به خارج از خودرو غیر از شیشه جلو هیچ دیدی نداشت، بهره افتادیم. چهار بار در مسیر راننده ها و خودرو عوض شدند که از ذکر بقیه جزئیات امنیتی معذورم».

فارسی را سلیس و روان صحبت می کرد

«بعد از رسیدن به مقصد راهنمای بسیار مودبی مرا به یک اتاق مستطیلی شکل راهنمایی کرد. عکس های این اتاق را قبلاً دیده بودم. روی میزی که بین میل محل نشستن من و سید قرار داشت چند عدد خرما، مقداری قند و مقداری آجیل و دو بطری آب قرار داشت. در باز شد و سید به داخل آمد». «حجت الاسلام حسینی» با این مقدمه می افزاید: «آرام بر میل روبه رویم نشست و مهربانان خبرمقدم گفت. فارسی را سلیس و روان البته با ته لهجه عربی صحبت می کرد. من هم چند نکته را که یادداشت کرده بودم، خدمت ایشان مطرح کنم از جیبم درآوردم و شروع کردم یکی یکی طرح کردن. همین طور که موضوع را تشریح می کردم، دیدم بر که یادداشتی را که قبلاً، در کنارش قرار داده شده بود، برداشت و شروع کرد به یادداشت برداری. تقریباً نصف صفحه ۸۴ نوشت. می خواستم موضوع بعدی را مطرح کنم که اذان گفتند و سید گفت اگر موافق باشید، نماز بخوانیم و بعد از نماز ادامه بدهیم».

گفت یک قدرت غیر قابل حذف در منطقه هستیم

مدیر مرکز اسلامی آفریقای جنوبی به ذکر خاطره ای دیگر از این دیدار اشاره می کند که مربوط به زمان جنگ ۳۳ روزه است و می گوید: «سید حسن گفت که همان روز های اولیه حمله رژیم صهیونیستی پیامی به دست من رسید از مرحوم حضرت آیتا... بهجت که بسیار مختصر پیام داده بودند: «انگران نباشید شما پیروز خواهید شد» و توضیحی نداده بودند. اما چند روز بعد سردار سلیمانی آمد و پیامی مفصل کتبی آورد از مقام معظم رهبری. حضرت آقا در یک صفحه نه تنها بشارت داده بودند که ما پیروز می شویم که حتی گفته بودند که ما تبدیل خواهیم شد

به یک قدرت نظامی منطقه ای. وضعیت ما به قدری وخیم بود که بعد از خواندن پیام حضرت آقا توسط سردار سلیمانی، من به سردار گفتم قدرت منطقه ای شدن پیشکش، ماتنهای خواهیم از این معر که جان سالم به در ببریم. اما طولی نکشید که دیدیم مقاومت پیروز شد و حزب ا... پیروزی خودش را جشن گرفت و ما امروز به عنوان یک قدرت غیر قابل حذف در منطقه حضور داریم».

کسالت و خستگی برای سید حسن معنا نداشت

کلام عذر خواستم و اجازه گرفتم از حضور شان مرخص شوم. هر دو برخاستیم. من در حین برخاستن با همان لهجه غلیظ مشهدی در حالی که عیابم را از شانه هایم خالی می کردم، گفتم سید، عبا عوض و بدل؟ با چهره بشاش و لبخندی دلنشین قبول کرد. عیابش را درآورد و بر دوش من انداخت و من هم متقابلاً عبا ی خودم را بر دوش ایشان انداختم».

«ملاقاتی که قرار بود ۴۵ دقیقه باشد با لطف ایشان یک ساعت و شانزده دقیقه طول کشیده بود». «حجت الاسلام حسینی» درباره لحظات پایانی این دیدار می گوید: «هیچ نشانه ای از کسالت و خستگی در سیمای سید دیده نمی شد و هیچ علامتی که احساس کنم وقت رو به اتمام است ندیدم تا آن جا که دیگر خودم از رورفتم و با شرمندگی تمام از اطاله

اخلاص ایشان مشهود بود

به عنوان آخرین سوال از او درباره مهم ترین ویژگی شخصیتی سید حسن می پرسم که در آن دیدار توجهش را به خود جلب کرده که می گوید: «آن چیزی که در تمام مدت صحبت های ایشان با من، بیش از هر نکته دیگری توجه من را جلب می کرد، اخلاص ایشان بود که در زندگی، کار، گفتار، عمل و رفتار مشهود بود. استحکام شخصیتی و اقتدار او هم مثال زدنی بود و انسان در برابر این شخصیت بزرگ، احساس کوچکی می کرد. شخصا احساس می کردم که در برابر یک کوهی نشسته و خودم را در برابر صخره ای بزرگ می دیدم که عظمت این کوه انسان را تحت تاثیر قرار می دهد. همین طور میزان تسلط ایشان به زبان فارسی برایم جالب بود و البته آرمش ایشان که هم بسیار با آرمش و هم آرمش بخش صحبت می کردند».